



دوره هفتم تقنینیه

شماره

۷۶

مذاکرات مجلس

جلسه

۷۶

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه پنجاه و یک

آبان ماه ۱۳۰۸

مطابق ۴ جمادی الثانی

۱۳۴۸

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی
خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود

مطبوعه مجلس

قیمت اشراك

کتابخانه ایران سالانه ده تومان
خارجی دوازده تومان

لیقه تك شماره

يك تلاف

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۰۸ * (۴ جادی الثانیه ۱۳۴۸)

نهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب دو فقره خبر مرخصی
- ۳) تصویب شرکت ایران در مقررات کنفرانس تلگرافی بروکسل
- ۴) تصویب شرکت ایران در مقررات کنفرانس تلگراف بیسیم واشنگتن
- ۵) شور اول لایحه تصرف عدوانی
- ۶) اجازه استخدام رئیس محاسبات کل مالیه از آلمان
- ۷) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید

(۱ - تصویب صورت مجلس)

صورت مجلس روز یکشنبه ۱۲ آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند *

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - قبل از دستور .

* عین مذاکرات مشروح هفتاد و ششمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه باستانهای مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : شیرانی - حیدری - فهبی
طباطبائی دیبا - افخمی - غفر فرهمند - محمود رضا - عباس میرزا - خواجوی - هزار جریبی - دکتر سنک - آشتیانی - جشدی
محمد علی میرزا دولتشاهی - بیات ماکو - پالیزی - دیوان بیگی - وثوق فروزینی - اعظم - اسدی - فرشی - حبیبی - قنوجی -
مولوی - جهانشاهی - صادقی - اسکندری - طباطبائی وکیل - طالشخان - امیر حسین خان - ارباب کبخیرو - رفیع - محمد آخوند
غائبین بی اجازه - آقایان : وهاب زاده - عبدالحمید خان دیبا - امیر ابراهیمی - میرزا حسنخان وثوق - مسعود - دکتر
امیر اعلم - محمد ولی میرزا - آصف - آقا زاده سبزوا - لرستانی - سهراب خان - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل
مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - تهروری - تاش -
دیر آمدگان با اجازه - آقایان : نجومی - آقا سید کاظم - الفت - مصباح فاطمی - حکمت - بیات - ذوالقدر
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : قراکوزلو - شریعت زاده - حاج میرزا حبیب الله امین - ناصری - امیر تیمور کلای

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در جلسه قبل بنده راجع به مرد عجیب عرایض کرده بودم در واقع عجیب ماها هستیم که متوجه باین حرفها میشویم نظر باینکه بعدها کسی که بنایش بر دروغ و تزویر است متوجه این مملکت نشود و باین ملاحظه يك عرایض بنده کرده بودم که در صورت مجلس نوشته نشده میخواستم عرض کنم که جزء صورت مجلس بشود.

رئیس - اینگونه مطالب در جزء - صورت مشروح نوشته میشود و در صورت خلاصه بمناسبت اینکه خلاصه معنی پیدا کند نوشته نمیشود نظر دیگری در صورت مجلس نیست ؟

(بعضی از نمایندگان خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

(۲ - تصویب دو فقره خبر کمیسیون مرخصی)

رئیس - دو فقره راپرت از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود :

آقای اقبال نماینده محترم برای گرفتاری و پیش آمد فوق العاده تقاضای دو ماه مرخصی از تاریخ شانزدهم آبانماه نموده کمیسیون با تقاضای نماینده محترم موافق و اینک خبر آن تقدیم میشود

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای وثوق

وثوق - موافقم -

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده خیلی مقاسم از اینکه در جاهائی هم که نباید مخالفت بکنم مجبور هستم که بخلاف کنم آقای اقبال داخل هیئت رئیسه شده اند و وجودشان هم تا يك اندازه لازم است امروز میخواهند تشریف ببرند آنها دوماه هرچند فرمودند کار فوری هم دارند و ابویشان آورد و بطوریکه فرمودند کار فوری هم دارند و ابویشان مرخص است ولی عقیده ام این است در صورتیکه کار فوری و ضروری هم دارند البته باید تا يك اندازه هم مراعات حال فقرا را بکنند اگر چه جواب بنده را میدهند که این مجلس برای حفظ فقرائست بلکه این مجلس تشکیل نشده است مگر برای حفظ فقرا از هر حیث از هر راه حتی راجع به خاکه ذغال و نمک آنها و اگر بدر مردم نخورد بنده آن مجلس را مفید نمیدانم شاید بعضی از آقایان هم به بنده بفرمایند اینها کار مجلس نیست و شان مجلس نیست بنده خواهش میکنم این فرمایشات را نکنند در ماه گذشته فقط هشت تومان جریمه در مجلس جم شده بود آخر ملاحظه بفرمائید این هشت تومان را بکی بدهند بهر حال چنانچه آقایان يك اندازه مراعات حال فقرا را بکنند بنده قول میدهم مخالفت نکنم.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - آقای فیروز آبادی چنانچه بیان فرمودند تصدیق فرمودند که بمحظور آقای اقبال استحضار و اطلاع داشته اند چنانچه همه آقایان نمایندگان مسبوق هستند آقای اقبال هیچ میل ندارند که يك روز غائب باشند و در اینموقع هم يك محظوری برای ایشان پیدا شده است که اخلاقاً بایستی همه آقایان با ایشان موافقت بفرمایند زیرا ابویشان در خراسان هستند و تلگراف کرده است که ایشان فوری حرکت کنند و پدر خود را بطهران بیاورند (صحب است) آقای فیروز آبادی هم در هر حال بایستی کمک بفرمایند اینک میفرمایند بایستی رعایت حال فقرا هم بشود و استحضار آقای فیروز آبادی عرض میکنم که این رعایت در خاندان ایشان نسبت بفقرا همواره شده است و بیشتر

الته باهای صحبت و باهای کارها فرق دارد یعنی در يك مورد زبینه است که فلان حرکت از فلان آدم صادر شود و میشود و در يك مورد زبینه نیست حالا هم این مورد را دوختن بآن مورد زبینه نیست بنا بر این آقایان با استحضاری که از محظور آقای اقبال دارند خواست موافقت بفرمایند

رئیس - موافقین با مرخصی آقای اقبال قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر قرائت میشود :

آقای میرزا جواد خان بوشهری نماینده محترم دوماه و ۲۳ روز از ۱۷ مرداد تقاضای مرخصی نموده و حقوق این مدت را بصوب کمیسیون عرایض بمصرف فقراتخصیص داده است کمیسیون عرایض مرخصی معزی الیه را تصویب و آقای لاریجانی را از طرف کمیسیون تعیین و دستور داده شد که حقوق مدت مزبور را با اطلاع و نظارت مباشرین مجلس بمصرف خرید ذغال و لباس فقراء مستحق برسانند

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده میخواستم از ایشان تشکر کنم که این اقدام را فرموده اند و چون این اقدام را فرموده اند بنده کمال تشکر را دارم و کاملاً موافقم

رئیس - آقایان موافقین با این خبر قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

(۳ - تصویب شرکت ایران در مقررات کنفرانس) (تلگرافی بروکسل)

رئیس - خاطر آقایان محترم مستحضر است که شور اول لایحه شرکت دولت ایران در مقررات کنفرانس تلگرافی ۱۹۲۸ بروکسل گذشته است شور دوم را کمیسیون تأیید کرده است ماده واحده را میخواهیم چون اعتراضی نرسیده

است رای میگیریم :

ماده واحده - مجلس شورای ملی شرکت دولت ایران را در مقررات کنفرانس تلگرافی که در سنه ۱۹۲۸ در بروکسل منعقد گردیده بود تصویب مینماید

رئیس - اعتراضی نرسیده است رأی میگیریم بماده واحده آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

(۴ تصویب شرکت ایران در مقررات تلگراف) (بی سیم واشنگتن)

رئیس - شورای راپرت متعلق بشرکت دولت ایران در مقررات کنفرانس تلگراف بی سیم در واشنگتن گذشته است ثانیاً در شور ثانی خبر کمیسیون خبر را تأیید کرده است قرائت میشود :

ماده واحده - مجلس شورای ملی شرکت دولت ایران را در مقررات کنفرانس تلگراف بی سیم که در سال ۱۹۲۷ میلادی در واشنگتن منعقد گردیده تصویب می نماید.

رئیس - اعتراضی نرسیده است. رأی میگیریم بماده واحده آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد

(۵ - شور اول لایحه تصرف عدوانی)

رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع بتصرف عدوانی مطرح است قرائت میشود :

کمیسیون قوانین عدلیه منتهی به ۳ آبان جلسه خود را با حضور آقای وزیر عدلیه تشکیل داده و لایحه ماده ۱۸۹۸۲ وزارت عدلیه راجع بملوکی از تصرف عدوانی را مورد شور و مذاقه قرار داده با اصلاحات لازمه اینک مواد ذیل را که با جرح و تعدیلاتی تنظیم گردیده برای مذاقه و مطالعه آقایان نمایندگان محترم بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد

ماده اول - در موردیکه کسی مال منقول غیر منقولی

را از تصرف متصرف بدون رضایت او خارج مینماید مأمورین نظمیه در صورت نبودن آنها حکام و نواب حکام و در صورت نبودن آنها مأمورین امنیه مکلف هستند از این تصرف عدوانی جلوگیری نمایند اگرچه تصرف مزبور باستناد ادعای حقی نسبت به آن مال باشد

ماده دوم - هرگاه کسی مالی را اعم از منقول و غیر منقول که در تصرف غیر بوده است عدواناً تصرف کرده باشد مأمورین حفظ انتظامات عمومی نمیتوانند مال مزبور را بتصرف متصرف اول بدهند مگر با اجازه کتبی مدعی العموم محل و این اجازه داده نخواهد شد مگر در صورتیکه از تاریخ تصرف عدوانی بیش از یکماه نگذشته باشد هرگاه از مقرر مدعی العموم تا محل وقوع تصرف عدوانی بیش از پنج فرسخ فاصله باشد به ترتیب ذیل خواهد شد

در صورتیکه در پنج فرسخی از محلی وقوع تصرف عدوانی امین صالح باشد امین صالح والا حکام یا نایب الحکومه که در این مورد از طرف وزارت عدلیه بسمت نمایندگی مدعی العموم معین میشود اجازه مذکور در فوق خواهند داد در این موارد حکام یا نایب الحکومه باید در ظرف پنج روز راپورت اقدام خود را برای مدعی العموم ارسال دارند.

ماده سوم - در مورد مواد قبل حکام یا نایب الحکومه مسئول وزارت عدلیه بوده و رسیدگی بتقصیرات اداری آنها راجع بدو ماده فوق در محکمه اداری آن وزارت خانه بعمل خواهد آمد

ماده چهارم - در مورد مواد ۱ و ۲ پس از اینکه مال در تصرف کسی ابقاء شد دیگر مدعی العموم یا سایر مأمورین مذکور در مواد فوق نمیتوانند آنها را از تصرف او خارج کنند و هرگاه در محاکم صالحه معلوم گردید که مال از تصرف کسی که سبق تصرف داشته خارج شده است اقدام کننده مسئول خسارات وارده بر متصرف خواهد بود

ماده پنجم - رسیدگی بدعوی ناشی از تصرف عدوانی

خواه مدعی سبق تصرف بدون مراجعه بمأمورین مذکور در ماده ۲ بمحکمه مراجعه کرده باشد و خواه در نتیجه عمل مأمورین مذکور دعوی بمحکمه رجوع شده باشد باید بفروری و خارج از نوبت بعمل آید

ماده ششم - تصرف مباشر یا مستقیم یا کارگر در اموال ارباب یا مخدوم و یا کار فرما تصرف از قبل آنها بوده و مشمول مواد فوق نیست

ماده هفتم - مستاجر و اشخاص مذکور در ماده ۶ میتوانند در غیاب صاحبان اموال از تصرف عدوانی بمأمورین مذکور در مواد ۱ و ۲ شکایت نمایند ماده هشتم - مرتکب تصرف عدوانی در صورتیکه تصرف بقهر و غلبه بعمل آمد یا بقهر و غلبه نبوده ولی به از اخطار از تخلیه بد امتناع نماید بحبس تأدیبی از يك تا ششماه محکوم خواهد شد ولو تصرف او مستند بادعای حقی باشد هرگاه مرتکب دو نفر یا بیشتر بوده و یکی از آنها لاقول حامل سلاح باشد یا بیش از سه نفر و ولو هیچ يك مسلح نباشند بحبس تأدیبی از ششماه الی دو سال و بتأدیه غرامت از پنجاه الی پانصد تومان محکوم خواهند شد

تبصره - ماده ۲۶۵ قانون مجازات عمومی ملغی است.

رئیس - شور اول و مذاکره در کلیات است. آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض میکنم بنده اولاً مخالفتی را که در اینجا میکنم بهیچوجه نظرم باشخاص نیست وقتی که يك چیزی را خوب بدیم وظیفه دینی خود میدانم که تصدیق بکنم اگرچه دشمن من باشد و اگر چنانچه يك چیزی را بد بدانم مخالفت میکنم ولو اینکه دوست صمیمی و برادرم باشد و این عقیده بنده است چون در بعضی نقاط يك ترتیبی هست که این اصل انحلال شده است که اگر کسی با يك دولتی موافق است باین

بانام لواج دولت موافق باشد و اگر مخالف بود باید بانام لواج دولت مخالف باشد بنده این عقیده را ندارم خوب را باید موافقت کرد اگرچه دشمن باشد و بد را بایستی مخالفت کرد اگرچه دوست باشد و این را هم بنده عرض کنم بنده در این موضوع که مخالفت میکنم ملکی ندارم که بخوام اجاره بدهم بعضی املاک جزئی هم که دارم مال مردم است خودم يك خانه دارم که آنهام کروات سه دانگش در پیش یکی و سه دانگش در نزد کس دیگر اما عقیده دارم که باید يك قسمی قانون اصلاح شود که اصول مالکیت متزلزل نشود (بکنفر از نمایندگان - کجاهاست آن مواردیکه مالکیت را متزلزل میکند بفرمائید) باید قسمی شود که مالک همیشه تشویق شود بتعمیرات و آبادی املاک مبادرت کنند و مستاجر هم بداند وقتی که رفت درجائی در يك محکمه يك قرار دادی داد ملتزم است که به آن قرار داد او خودش رفتار کند و اگر بکوفتی مالک گفت باید تخلیه کند نکود من نمی پذیرم و از اینجا پانصدشوم هر چند بعضی اوقات بعضی از مالکین هم هستند که بعضی بیضافه میکنند البته بایستی مالکین هم همیشه ملاحظه مردم را بکنند مثلاً ملکی را که استفاده مختصری ازش میرود است بعد نیاید و اجاره يك تومان را بگوید پنج تومان یا اینکه باید فوری از اینجا بروی بیرون البته باید ملاحظه انصاف را بکنند و انصاف هم یکی از احکام اخلاقی اسلام است که بایستی انسان در هر حال انصاف داشته باشد. اینجا در این لایحه بعضی مواد بنظر من آمد که بعضی از مالکین را در زحمت می اندازد و بعضی از مستاجرین نیز در زحمت می افتند و بالاخره بنده در کلیات يك مخالفتی دارم و عقیده ام این است که لایحه بر گردد بکمیسرون عدلیه و بعضی از مواد آن يك نظری اصلاح بشود که بالاخره اصول مالکیت محکم باشد دکتر عظیمی - عیب را بگوئید توضیح بدهید معلوم شود.

فیروز آبادی - حالا بنده نمیخواهم تفصیل بدهم و

بعلاوه اسباب زحمت مستاجرین نباشد و تشویق مالک از آبادی و عمران املاک از بین نرود این چیز هارا در نظر بگیرد بعد از در نظر گرفتن این منظور بنده موافقم. وزیر عدلیه - بنده متوجه فرمایشات آقای فیروز آبادی نشدم شاید بعضی از آقایان نمایندگان متوجه شده باشند بنده که متوجه نشدم که آقا در کجای این لایحه اشکالی دیدند که بنده حالا جواب عرض کنم فرمودند که باید لایحه يك طوری باشد که اصل مالکیت مسجل باشد بنده تصور میکنم که آقا اگر این لایحه را دقت میفرمودند از این نقطه نظر یکی از بهترین لواج بود زیرا ما آمده ایم يك مسائلی را برای رفع اشکال مردم در نظر گرفته ایم حالا اگر مابین آقایان کسی هست که متوجه شده باشد که آقا بکدام قسمت از این لایحه واقفاً اعتراض دارند چون بنده ملتفت نشدم خواهشمندم جواب بگویند

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بعقیده بنده یکی از بهترین قوانینی که جلوگیری از تعدی و اجحاف متعبدان میکنند این لایحه است و اصول مالکیت را این قانون تا اندازه تأمین میکند که مدتهاست بنده از حضرتعالی تقاضا میکنم که يك قانونی بیاورند بمجلس که يك اختیاراتی بایک اندازه به نواب حکام در نقاطی که عدلیه و صلیحه وجود ندارد داده شود که آنها بتوانند در بعضی مواقع از بعضی تعديات جلوگیری کنند و شاید این لایحه تا اندازه نظریات بنده را تأمین میکند و امیدوارم باقی نظریات بنده را هم در نظر داشته باشند که در هر موقع که مقتضی و مناسب بدانند باقی را هم تکمیل کنند بنده اینجا در تحت عنوان مخالفت اینجا آمده ام لکن بنده خودم چون يك نواقصی در اینجا می بینم برای اینکه آن نواقص را اظهار کنم بعنوان مخالفت عرایض میکنم. در ماده اول میگوید در موردیکه کسی مال منقول غیر منقولی را از تصرف متصرف بدون رضایت او خارج مینماید مأمورین نظمیه و در صورت نبودن آنها (در اینجا گمان میکنم و او ساقط شده باشد)

وزیر عدلیه - در چاپ افتاده است مال منقول یا غیر منقول و در این قسمت هم (وار) حذف شده است و در صورت نبودن آنها اینها مربوط بلاحقه نیست کازرونی - حکام و نواب حکام و در صورت نبودن آنها مأمورین امنیه مکلف هستند از این تصرف عدوانی جلوگیری نمایند این تصرف عدوانی را که اینجا مینویسد مسلم و مصرح باید باشد که این تصرف تصرف عدوانی است و محل تردید نباشد در صورتیکه بنده عقیده ام این است که منظور این لایحه این است که مأمورین نظمیه یا امنیه یا حکام یا نواب حکام وقتی می بینند يك کسی دارد مال کسی را الان الساعه از دستش میرباید اینها باید جلوگیری کنند و او اینکه اوداعا کند که من حق دارم و شاید او هم راست میگوید و حق داشته باشد معذک بقوه خودش حق ندارد که این مال را از دست او بریاید با این وصف کلمه عدواناً در اینجا بعقیده بنده زائد است حالا بعقیده بنده توضیح دادش عیبی ندارد باز هم اختیار با شما است مقصود این است که منظور تابعین شده باشد اگر چنانچه وقایعی در طهران اتفاق میافتد مثلاً يك کسی می خواهد مال کسی را از دستش برور بریاید مأمورین نظمیه و امثال آنها که ذکر شد از دستش استرداد میکنند بهمین سادگی اگر باشد خیلی خوب است لیکن این مسئله دایره اش خیلی وسیع است در ولایات ، دهات ، قراء و قصبات ، املاک ، عقار ، اموال . . .

ملك آرائی - ضیاع

کازرونی - خیلی زیاد است و دائره اش هم خیلی وسیع است حالا شما خواهید باین سادگی اختیار را بدهید به نظمیه ها و امنیه ها و حکام این بکفردی مشکل است پشت سرش هم نه رابرتی باید بدهند نه چیزی و نه يك قیودی دارد آیا کماث نمیفرمائید که این قضا یا مستلزم حدوث اموری شود که اسباب زحمت برای مردم شود ؟ امنیه یعنی کسی ؟ یعنی

یک نفر مأمور امنیه که میدانید بعضی اوقات بعضی قضا یا اتفاق می افتد که بر خلاف منظور شما است یعنی آن ها از اقتدار خودشان سوء استفاده میکنند غرضم این است در اینجا بکفردی دقت بفرمائید و باید يك تذکری داد شود که جلوگیری بشود از حدوث بعضی امور که بنده لازم نمیدانم بعضی قضا یا را که در نظر دارم بدست مأمورین اتفاق افتاده تذکریدم زیرا اسباب تضییع خاطر آقایان میشود. در ماده دوم میگوید : هرگاه کسی مال را اعم از منقول و غیر منقول که در تصرف غیر بوده است (اینجا هم بنده تصور میکنم که بایستی نوشته شود اموال منقول « یا » غیر منقول) . . .

وزیر عدلیه - گفته شد (یا) در چاپ ساقط شد کازرونی - خوب اینها يك غلطهای جزئی است شاید هم صحیح است عدواناً تصرف کرده باشد اینجا يك تکلیفی معین میکند که اگر چنانچه این تصرف عدوانی در پنجفرسخی واقع شده باشد يك تکلیفی برایش معین میکند ولی اینجا میگوید هرگاه بیش از پنجفرسخ باشد تکلیفش این است که ذکر شده اما اینجا که تکلیفش را ذکر میکند میگوید در صورتیکه در پنجفرسخی از محل وقوع واقع نشده باشد در صورتیکه تکلیف را برای بیش از پنجفرسخ معین میکند حالا بنده نمیدانم درست فهمیده ام یا اینکه اصلاحی لازم دارد در اینجا هم لازم بود بعقیده بنده يك ماده قید بشود که اگر مأمورینی که در اینجا ذکر شده است باظهارات متشکی که مالش را از دستش بردند رسیدگی نکردند بی اعتنائی کردند چه باید بشود . . .

آقا سید یعقوب - ماده سوم

کازرونی - ماده سوم را خوانده ام بنده . ماده سوم میگوید در مورد مواد قبل حاکم یا نایب الحکومه مسئول وزارت عدلیه بوده و رسیدگی بتقصیرات اداری آنها راجع بدو ماده فوق در محکمه اداری آن وزارتخانه بعمل خواهد آمد اینطور میرساند که اگر این ملکی را

که از تصرف متصرف عدوانی گرفت و باصاحبش مسترد کرد اگر خلاف کرده باشد مسئول است و باید مواخذة نمود خوب اگر نکرد چطور اینهم تقصیر است و این مطلب را بنویسند

احتشام زاده - کاملاً میرساند

کازرونی - میرساند اضافه کنید مگر میخواهید بخیرید ؟ کلمه خیل کران است قیمتش ؟

وزیر عدلیه - پیشنهاد کنید

کازرونی - در اینجا میگوید اگر این تصرف عدوانی زیاده از یکماه باشد مدعی العموم نمیتواند رسیدگی کند و همچنین بکلی از دایره این لایحه خارج است بعقیده بنده از منظور مقصودی که داریم ما را عقب میاندازد در قانونی که سابق گذشته و داشتید سه ماه بود شما که اختیار مدعی العموم میدهد و طرف اعتقاد شما هم هست برای یکماه چه دلیل دارد که سه ماه نباشد پس آن يك ماه سه ماه باشد بعقیده بنده بهتر است شما ملاحظه بفرمائید مردم از قوانین اطلاعی ندارند و نمیدانند که اگر از یکماه گذشت کسی باظهارات آنها رسیدگی میکند یا نه معلوم شاید دسترس پیدا نکردند مریض شدند شاید يك مواردی پیدا کرد که مورد اذیت و آزار واقع شدند و شاید بالاخره دسترس پیدا نکردند باشخصی که شما در اینجا ذکر کردید پس برای تکمیل این منظور بهتر این است که همان سه ماه باشد اینها عقاید بنده است . در هر صورت البته خودتان بیشتر دقت میکنید و چون وارد عمل هستید در مدتهاست درش بحث کردید کاملاً از جزئیات آن متعصن هستید ولی بنده نازه دیده ام و بجز اصلاح این لایحه هم غرض دیگری ندارم این است عرایض بنده

وزیر عدلیه - بیانات نماینده محترم در قسمت اول مربوط به ماده اول بود کماث میکنم نه ناشی از يك مختصر سوء تفاهمی است بنده یکمرتبه ماده اول را قرائت میکنم میگوید در موردیکه کسی مال منقول یا غیر

منقولی را از تصرف متصرف بدون رضایت او خارج مینماید مأمورین نظمیه در صورت نبودن آنها حکام و نواب حکام و در صورت نبودن آنها مأمورین امنیه مکلف هستند از این تصرف عدوانی جلوگیری نمایند ما خواستیم در ضمن این ماده تصرف عدوانی را که يك اصطلاحی است و اغلب هم میگویند معنی کرده باشیم که معنی تصرف عدوانی چیست ؟ (کازرونی اصطلاحی است قبول داریم) در قوانین ما هست در این قانون هم در چندین جا ذکر شده در این ماده اول خواستیم این را تشریح کنیم بنا بر این گفته ایم که تصرف عدوانی عبارتست از اینکه يك کسی سلب تصرف از متصرفی برخلاف رضایت او بکند این میشود تصرف عدوانی بنا بر این تصدیق میفرمائید که بیش از این توضیح لازم نیست (کازرونی - قبول دارم) پس این درست شد در قسمت راپرت که میگویند این مأمورینی را که بهشان اختیار میدهند اینها هیچ مسؤولیتی ندارند و بالاخره بهیچ جا هم راپرت نمیدهند مخصوصاً به این عبارت فرمودند در ماده دوم ملاحظه میفرمائید که ما در آن موردی که واقعاً اهمیت دارد در آن مواردی که يك کسی آمده است و شکایت بمأمور کرده است که مالی در تصرف دن بوده است دیگری آمده است از تصرف من خارج کرده است حالا باید مأمور این را برگرداند و پس بدهد ما این را در این موقع گذاشتیم که راپرت خودش را بایستی در فاصله پنجروز بمدعی العموم بدهد ما آن مأمور را برای این گذاشته ایم باشد ولی در آن مواردی که کار روزانه و عادی است اگر الان تشریف ببرید بیرون فرضاً کسی پیدا شد و خواست يك همچو حسارنی بکند که پالتوی شمارا بردارد در این جا چه باید کرد ؟ بالاخره مأمور نظمیه نمی گذارد این کار را بکند میگوید اگر حقی هم برپالتوی آقا داری بایستی بروید و از راه خودش داخل شوید اینرا جلوگیری می کند . اگر برای اینطور اعمال است که نمیگذارد يك تصرف عدوانی واقع شود اگر از برای این اعمال باشد و بنا شود جلوگیری شود

زندگی مشکل میشود آقا. زیرا يك کسی آمده و خواسته است عباى دیگری را بردارد اگر از آن مأمور کسی شکایت دارد بالاخره او می تواند شکایت خودش را بکند. وقتی که مأمورى جلو گیری می کند از کار خلاف قانون يك کسی و از تصرف يك کسی که بزور شخصی خودش می خواهد يك کاری را انجام دهد جلو گیری میکند و راپورت میدهد ما این را آمده ایم و تصرف عدوانی قرار داده ایم و این تصرف عدوانی را هم تفکیک کرده ایم. يك دفعه است که در حین وقوع است یعنی عمل الان می خواهد واقع شود. و يك کسی آمده و ملكی را دارد میبرد. یا يك کسی دارد محصول دیگری را یا آنی که مال ملك دیگری است دارد میبرد در این مورد مأمورین حفظ انتظامات که (ما اشخاص را در این جا معین کرده ایم که چه اشخاصی هستند) باید سرعت و بدون اتلاف وقت و تشریفات زیاد و محاکماتی این ملك را از تصرف کسی که بزور متصرف شده برگردانند و بتصرف آن شخص که در تصرف بوده بدهند و باو بگویند (کازرولی - خیلی صحیح است خیلی خوب هم هست) اگر حرفی دارد برود و از راه خودش داخل شود. مسئله دیگری در اینجا ضمناً اظهار کردند که بنده ناچارم این نکته را عرض کنم که شما این اختیاراتی را که میدهد شاید با شخص و مأمورینی باشد که برخلاف ترتیب عمل میکنند البته در بین مأمورین مختلف ممکن است اشخاصی باشند که برخلاف قانون عمل کنند اظهار کردند مأمورین امنیه ممکن است برخلاف قانون عمل کنند البته قوی مأمورین امنیه هم ممکن است يك اشخاصی باشند که برخلاف ترتیب رفتار کنند مثل سایر افراد بشر ولی بالاخره مواردش را باید گفت و دنبال کرد چنانچه در سایر موارد هم معلوم میشود دنبال میشوند و جلو گیری می نمایند و متخلفین سیاست هم میشوند در موضوع بیش از پنج فرسخ اظهار کردند که تکلیفش روشن نشده بنده خواهش میکنم آقا مجدداً ماده دوم را قرائت بفرمایند چون خیال میکنم

اکثر با دقت قرائت بفرمایند خودشان تصدیق خواهند کرد که منظور حاصل شده. ما چه می خواهیم بکنیم؟ ما دیدیم که اگر بنا باشد يك کسی که آب ملكش را دیگری آمده و بزور میبرد بگویند بیا برو به محکمه عارض شو مدتی طول خواهد کشید ممکن است تا ختم محاکمه آن شخص آب را برده کار خودش را کرده باشد لذا برای اینکه در عمل تسریع شده باشد گفتیم مأمورین از این عمل جلو گیری کنند آب را در مرتبه بدست کسی که اول متصرف بوده بدهند بعد اگر از آن طرف محکوم شد از او بگیرند. آنگاه برای این کار ما چه کرده ایم؟ از يك طرف آمده ایم و مرحله مقدمانی را از محکمه خارج کرده ایم و گفتیم به محض اینکه يك چنین اطلاعی به مدعی العموم برسد او باید يك تحقیقاتی (ولی البته خیلی اجمالی) بکند و بعد از اینکه معلوم شد ملك مال متصرف اولی بود و از دستش گرفته اند بایستی فوراً امر بدهد که متصرف اول در تصرف داشته باشد یعنی به تصرف او بدهند. آنگاه باین ترتیب کار قبلاً از دست محکمه خارج شد بعد البته اگر کسی حرفی دارد باید برود به محکمه ولی در بدو امر و ابتدای کار مسئله يك امر اداری است که بوسیله مدعی العموم اجرا میشود ممکن است اشکال بفرمایند که از نقطه که دعوی اتفاق افتاده تا جایی که مدعی العموم هست ممکن است ده فرسخ یا بیست فرسخ سی فرسخ فاصله باشد. در این مورد اگر بنا بود در این (مخصوصاً در ده کوچك) پانزده فرسخ حرکت کنند و بیايد به مدعی العموم اطلاع دهد اصلاً آن موضوعی که ما خواسته ایم حل کنیم حل نشده و مقصود حاصل نشده و مقصود حاصل نمیشود. از این جهت ما آمدیم و گفتیم اگر از آن جایی که این تصرف عدوانی رقم شده تا نقطه که مدعی العموم هست پنج فرسخ فاصله باشد چون مسافت کم است باید برود پیش مدعی العموم و اگر از پنج فرسخ بیشتر است آن وقت باید برود بحاکم یا نایب الحکومه اطلاع بدهد که آنها

جلو گیری نمایند. این از روی دو قسمت است که ملاحظه بفرمایند. روی این دو فکر و این دو قسمت بوده است که این ماده را نوشتیم. دو قسمت کرده ایم. يك قسمت در صورتیکه فاصله محل وقوع تصرف عدوانی تا محل مدعی العموم پنج فرسخ باشد (در اینصورت باید مدعی العموم اطلاع بدهد) و يك قسمت دیگر در صورتیکه فاصله بیش از پنج فرسخ باشد در این صورت بحاکم مراجعه میشود در قسمت دیگر که فرمودند مدت تصرف عدوانی را چرا يك ماه قرار داده ایم عرض میکنم بلى يك ماه قرار داده اند و این برای این است که اساساً ما ناچاریم يك مدتی را قائل شویم. حالا باید دید چرا يك مدتی را در تصرف عدوانی قائل میشوند. این اساساً برای این است که هر چه فاصله شکایت نزدیک باشد به عمل تصرف عدوانی زود تر و سهل تر میشود رسیدگی کرد تا اینکه مدت طولانی تر باشد. هر قدر فاصله زیاد تر باشد تشخیص امر مشکل تر میشود. مثلاً اگر امروز يك کسی آمد و گفت يك ملكی را من نادبروز تصرف داشتم و دیشب فلان شخص آمده و گرفته در این مورد شما خیلی سهولت می توانید بروید تحقیق کنید و بالاخره امارات و علائمی که برای این عمل موجود است خیلی زود بدست می آید و زود ثابت میشود که آن شخص واقعاً نادبروز تصرف داشته و این تصرف عدوانی واقع شده یا نه؟ ولی اگر شما گذاشتید و از مدت تصرف عدوانی پنج ششماه گذشت البته مشکلات امر برای اینکه بدانید آیا این شخص راست میگوید یا نه و این مال در تصرف او بوده و حالا ازید او خارج کرده اند یا نه بیشتر میشود. برای اینکه ما باید يك رسیدگی بکنیم و آن رسیدگی عبارت از يك محاکمه ایست که ما باید برویم در يك محکمه و مثل محاکمات عادی محاکم تمام آن دلائل و تشریفات که لازم است فراهم کنیم. اینکه ملاحظه میکنید از روی بصیرت برای تصرفات عدوانی يك مدت کمی را قرار میدهند برای این است که تشخیص آن سهل باشد. و در هر صورت برای تصرف عدوانی لازم است يك مدت کمی را قائل

شویم و در اینصورت تصدیق بفرمایید که برای حاکم یا مدعی العموم یا يك نفر دیگر بهتر ممکن است تحقیقات اجمالی امر را بکند ما حق الامکان باید مدت را خیلی نزدیک بوقوع عمل قرار دهیم (صحیح است) حتی خود بنده در موقعی که پیشنهاد کرده بودم مدت را ده روز قرار داده بودم ولی بعد در کمسیون که آقایان مذاکره کردند بالاخره با هم صلح کردیم که يك ماه باشد و بیش از این را بنده صلاح نمیدانم این بود جواب آن مذاکراتی که فرمودند و آن چیز هائی که در مقابل بیانات آقا باید عرض شود. در آخر اظهاراتشانهم فرمودند که اگر بنا میشود حرف را میخربیدیم آنوقت خیلی دقت میکردیم و در عبارتیمان خیلی صرفه جوئی مینمودیم ولی چون حرف قیمتی ندارد بنا بر این بهتر است این ماده را قدری بیشتر بنویسیم آقا بنده خیال میکنم در قانون خیلی باید احتیاط کرد (ولوا اینکه حرف از برای ماقیمتی ندارد) که هر کلمه که شما مینویسید از برای اعمالی که بعد باید روی این حرفها بشود برای قضات و از برای تعبیراتی که میشود اشکالاتی تولید نکند از این جهت بنده از آقا خواهش میکنم که لااقل يك مرتبه در دنیا به حرفتان قیمت بدهید و موافقت بفرمایند.

رئیس - آقای روحی

روحی - مذاکرات کافی است.

رئیس - مذاکرات کافی است؟

جمعی از نمایندگان - بلى بلى.

رئیس - رای گرفته میشود بشور در مواد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود

(بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آفاسید یعقوب - بنده خیلی در نظر داشتیم که آقای وزیر عدلیه فلسفه آوردن این قانون را بعرض مجلس برسانند که آنوقت اعضاء محترم مجلس توجه کنند که فلسفه آمدن این قانون به مجلس چه بوده و احتیاج مملکت باین قانون چقدر است.

يك موضوعی را بنده ناچارم مقدمه عرض كنم و آن این است كه ایجاد خان خانی با ملوك الطوائفی با نفوذ های غیر مشروع در هر مملکتی بچه چیز میشود ؟ ایجاد نفوذ غیر مشروع باعتبار اخلاقی است که در افراد است که هر فرد قوی میخواهد بفرد ضعیف تعدی کند و آن مرد ضعیف از ترس مرد قوی می رود و يك مرد قوی نری را پیدا میکند که حفظ مال خودش را بدست آن بکند. آنوقت نایب حسین کاشی پیدا میشود. این نفوذ های کوچک کوچک کم کم ایجاد يك ملوك الطوائفی در مملکت میکند. ودولت مرکزی ما که بحمدالله موفق شده است در سابه يك قدرت و توانائی این نفوذ های غیر مشروع یعنی ملوك الطوائفی و خان خانی را از مملکت بر اندازد نتوانسته است اخلاق فرد فرد متعدی را از بین ببرد. و هر کسی که نتوانسته بکسی تعدی بکند حالا هم هست و میکند. چون دولت همچو قوه غیبیه ندارد که در هر کجا يك مأمور بفرمان کندها جلو افراد متعدی را بگیرد. و ناچار است برای حفظ آن نظری که دارد که : (نفوذ غیر مشروع را از بین ببرد) اقداماتی بکند. و نفوذ مشروع را که عبارت است از تأمین قانون قضاوتی در مملکت ایجاد کند و امروز بنگانه نظر مجلس شورای ملی باید این باشد که تأمین قضائی و حفظ قضاء و نفوذ مشروع را در مملکت بنماید و قانونی باید ایجاد کند که حفظ قضاء و حقوق را بنماید تا اینکه مملکت را بسیر ترقی که دارد برود برساند. در سابق ما يك قانون تصرف عدوانی داشتیم قانون مجازات هم داشتیم. حالا بنده ماده قانون مجازات را که تعبیر از آن همان تصرف عدوانی است بعرض مجلس می رسانم. قضاة عدلیه از این قانون باعتبار يك قاعده کلیه

تدرء الحدود بالشبهات این قانون را بعنوان ماده ۱۷ اصول محاکمات حقوقی از کار انداختند و گفتند این قانون مجازات مربوط است بآل ماده قانون اصول محاکمات حقوقی. وقتی که اتمام شد حالا عمل بآن میکنند بچه معنی ؟ يك کسی آمده عباى بنده را برداشت. بنده رفتم به نظمیة با به عدلیه و عرض کردم این عباى بنده را زور گرفته است اگر فوراً متعدی آمد و گفت من نسبت باین ادعائی دارم فوراً قضات می آمدند و در این جای گفتند که این ماده قانون مجازات عمومی که در دوره پنجم وضع شده است باید مانند نا محاکمه حقوقش تمام شود محاکمات حقوقی هم البته برای عدالت است. عریضه حقوقی می خواهد تشریفات محاکمه لازم دارد وارد شدن در ماهیت است. الی ماشاء الله. این بیچاره عباى که رفته رفته خودش و اولادش هم از بین میروند آن چیزی که نظر ما این بود که نفوذ های غیر مشروع و ملوك الطوائفی را بر دارم و نفوذ های مشروع قانونی بجایش بگذاریم. و این ترتیب هم این کار ممکن نبود. از این جهت وزیر عدلیه ناچار شد که لایحه را تقدیم مجلس کند در کمیسیونهم ما با يك نظر دقیق و عمیقی فلسفه آنرا در نظر گرفتیم. و لایحه را تنظیم کردیم و بعرض مجلس رسانیدیم. حالا برای استحضار خاطر نمایندگان عرض میکنم ماده ۲۶۴ و ماده ۲۶۵ راجع است بمداخله کردن در مال غیر که در واقع همان تصرف در مال غیر است. لیکن عنوانش عنوان هتك حرمت منازل است و شاید قضاة این ماده را تا این اندازه عمومیت نمیدادند و میگفتند این ماده در اینجا نمی آید و این مقدمه ای که واقع میشود در بازار و خارج از بازار مشمول این ماده نمیکردید. عباى را بر میداشتند و میبردند آنوقت مجبور بود برود ثابت کند که این عبا مال او بود. و باید در محکمه حقوق هم برود ثابت کند. و ناچار بود محکمه حقوق بیاید و جزو عریضه بشود و در محکمه اولی مطرح شود. استخوان این شخص که پوسیده بود که هیچ اولادش هم از بین میرفت. باز همان جریان

سابق را پیدا میکرد و همان حالت دور هم جمع شدن و نفوذ های غیر مشروع را ایجاد کردن در مملکت پیدا میشد ماده ۲۶۵ این است : هر کس بقهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است و محصور باشد (این قبیل را تمام دارد) بجهت تأدیبی از بدست روز الی سه ماه یا به تأدیه غرامت از بدست نومان الی بدست نومان محکوم خواهد شد. و اگر محصور نباشد بجهت تأدیبی از هشت روز الی يك ماه محکوم خواهد شد. و اگر در ابتدای ورود بقهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف بقهر و غلبه مانده باشد اعم از اینکه ملك محصور باشد یا نباشد بجهت تأدیبی از بدست روز الی شش ماه و بتأدیه غرامت از ده الی یکصد تومان محکوم میشود. این قانون بود که تعبیر بقانون تصرف عدوانی میکردیم و بر طبق همان مسئله که بعرض مجلس رساندم که عنوان «ناطه» باشد این مسأله بکلی از اثر افتاده بود و می گفتند باید برود بمحکمه حقوق و ثابت کند. و همینکه دعوا جنبه حقوقی پیدا کرد مسئله بکلی از بین میرفت. و باز آن تعدیات و تجاوزات افراد باقی میماند حالا آقای مخبر در اینجا تشریف دارند و بنده در ماده اول این قانون ابرادی که دارم ابراد اصلا چیست در واقع ما می خواهیم کسی که مزاحمت وارد می آورد و نسبت بصاحب ملکی مزاحمت می کند اعم از اینکه از تصرف خارج کند یا شروع به تضییع حق نماید یا مزاحم استفاده او باشد مثلاً بنده درب دکانم نشسته ام و يك مرد که مزاحم من شده (در حال مزاحم من است) یا در خانه خودم نشسته ام و شخصی مزاحم حال من است همه شامل این قسمت بشوند بنده پیشنهادی کرده ام حالا بعرض مجلس می رسانم که عنوان را رفع مزاحمت قرار دهند و به تصرف کسی که مزاحم صاحب مال واقع شده است بدهند اعم از اینکه از دستش خارج کند یا شروع کند با مزاحم استفاده اش شود. این يك موضوع.

موضوع دیگر اینکه آقای باسائی خوب توجه داشته باشند

دفاع از عقیده خودم خواهم نمود مقصود این است که این ماده تصرف عدوانی و رفع مزاحمت یا اینکه شروع بخارج کردن مال را از بد صاحب مال نموده همه را شامل شود. (آقای وزیر عدلیه توجه بفرمائید) فرمودید اگر در مجلس صحبت شود این را اصلاح میکنم. غرض بنده این است اگر مزاحم استفاده صاحب مال هم بشود مامورین نظمیۀ مکلف اند که از این تصرف عدوانی یعنی سه قسم فوق جلو گیری کنند و آن سه قسم عبارت است از اینکه با خارج کند. یا شروع کند و یا مزاحم تصرف باشد. و ما خوبست بیائیم و این اقسام را اصطلاح برای تصرف عدوانی قرار بدهیم یعنی اصطلاح قانونی و خوبست در قانون مجازات هم تصرف عدوانی را این جور قرار بدهیم و تصرف در مال هم باید اعم باشد از منقول و غیر منقول و مراد از تصرف عدوانی یعنی خارج کردن مال منقول و غیر منقول اعم از اینکه مزاحم باشد یا خارج کند و مقصود هم همین است. این عرایض بنده بود و اینهم پیشنهاد است که بمقام ریاست میدهم و مخالفتم در ماده اول از این نظری بود که عرض کردم

یاسائی - (مخبر کمیسیون عدلیه) - قسمت های اولیه فرمایش آقای سید یعقوب تشریح مواد این لایحه بود که البته خیلی مفید هم بود ولی آن چیزهایی که راجع بماده اول فرمودند چند قسمت بود. يك قسمت راجع برفع مزاحمت بود اگر بخاطر داشته باشند خود آقای وزیر عدلیه در کمیسیون متذکر شدند و قرار بر این بود که موضوع رفع مزاحمت هم که الان تحت يك قانون مستقلى است در عرض تصرف عدوانی محسوب شود و در محاکم هم آنرا در ضمن همین قانون بکنجانب یک ترتیبی که عرضهای رفع مزاحمت هم در يك مدت کمی وبدون تشریفات قانونی پذیرفته و اقدام شود. و رسیدگی آن خیلی اختصاری باشد و قرار بر این شد که هنگام مذاکره در مجلس اگر آقایان موافقت بفرمایند پیشنهاد و حل شود. حالا ممکن هم است آقایان مذاکره بفرمایند و برای شور ثانی راپورت را طوری تنظیم کنیم که شامل آن قسمت هم بشود.

در قست اینکه فرمودید لفظ حکام و نایب الحکومه را آیا شامل مامورین و مستخدمین و پیشخدمت ها بشود میشود اینطور نیست اینجا باید تصریحاً و توضیحاً عرض بشود که مقصود از حکام و نایب الحکومه خود حکام و نایب الحکومه است و مقصود پیشخدمت حکوم نیست اگر پیشخدمت حکومت بخواد مداخله در این قبیل قضایا بکند البته مسئولیت آور است. مسئول دوک و وزارت عدلیه باحاکم است با نظمیۀ مسئول مستقیم وزارت داخله حکام و نظمیۀ ما هستند. منتهی در بعضی جاها يك نایب الحکومه هائی هستند که مسئول يك حاکم و والی هستند. در بعضی نقاط هم نایب الحکومه هم مستقیماً معین میشوند و ارتباطی باحاکم ندارند و مسئول مستقیم وزارت داخله اند. در هر حال هر جا که مستقیماً و مستقلاً باغیر مستقیم مسئولیتی دارند آن مسئولین محدود است بخودشان حالا میخواهند مسئولیت خودش را بوسیله فرایش یا بوسیله پیشخدمت یا بوسیله خودشان انجام دهند در هر حال شخصی حاکم یا نایب الحکومه مسئول است و هر امری که میدهد چه بوسیله پیشخدمت یا فرایش یا مأمور نظمیۀ یا مأمور امنیۀ هر کسی که امر میدهد برای يك اقدامی او مسئول است این چیزی است که باید محرز و معین باشد. همینطور در قسمت امنیۀ که نوشته ایم مقصودمان که هر فردی از افراد امنیۀ نیست فرض کنیم در يك دهی در يك قریه يك پست امنیۀ دارای پنج شش نفر امنیۀ که يك رئیس دارند که يك درجه پستی ممکن است ریاست داشته باشد بر آنها و آن پنج نفر شش نفر مسئول او هستند البته مسئولین در آن حوزه با آن شخص رئیس است و البته اگر در يك جای مهم نری بود مثل قصبه رئیس مافوق اینها مسئول است و اینها تماماً يك چیز هائی است که باید بموجب نظامات اداری محرز و معلوم شود معلوم هم هست و توضیحات زیادی لازم ندارد و قانون را ما نباید طوری بنویسیم که مقصودمان مثلاً از امنیۀ نزد امنیۀ یا نایب یا معین نایب یا سلطان امنیۀ یا چیز دیگر

اما موضوع دیگر که راجع بشروع بکار و شروع بقصر و شروع بمزاحمت اشکالی فرمودند و فرمودید که این را هم لازم است یکی از حقوق تصرف عدوانی قرار بدهیم و حساب کنیم این مسئله چندان آسان نیست چو ن همین اینکه شروع عبارت از چیست از نقطه نظر قضاوت کار مشکلی است و فرضاً شما بخواهید بگوئید شروع عبارت از اولین اقدامی است که می کنند یا اولین قصدي که می کنند یا اولین اراده ایست که می کنند در هر صورت هر جور شما این کله را در ضمن عمل بخواهید تغییر و تعبیر نمائید میشود و قضاة دچار اشکال میشوند پس بهتر این است که اینگونه مطالب کلی در قانون نوشته نشود و بنظر قضات واکذار شود بجهت اینکه در ماده اول ما مقصودمان این است که جلو گیری بشود از طرف مامورین امنیۀ و حکام یا نواب حکام از وقوع بعضی قضایا و عبارت ساده تر مقام دفعی دارد و مقام رفعی آن در ماده بعد است. يك مرتبه هست که يك کارهائی را يك اشخاصی می کنند و يك تجاوزات و تصرفاتی میکنند و رفع آن اقدامات را این مامورین که ذکر شده می نمایند و این تکلیف در ماده دوم معلوم شده است. يك وقت هم هست که يك اتفاقی هنوز نیفتاده است ولی مامورین مشاهده می کنند که يك اربابی پنج شش نفر از رعایایش را جمع کرده میخواهد برود حدود يك ملک را بهم بزند یا فلان نهر و قنات را خراب کند و يك کارهائی بکند که بالنتیجه ضرر بد دیگری بخورد مقصود از ماده اول این است که اگر يك همچو اتفاقی خواست وقوع پیدا کند مامورین حفظ انتظامات آنها را دفع نمایند و نكسارند این اقدامات وقوع یابد و تصرفاتی از طرف بعضی اشخاص بشود یا اینکه هنوز آثار عملی از آنها بروز نکرده است این را جلو گیری و دفع می نمایند ولی در قسمت دیگر که عملی اتفاق افتاده است آن جا رفع آن اقدامات و تصرفات را می نمایند و در صورت راجع باین قسمت هم ممکن است پیشنهاد

بفرمائید تا در کمیسیون مطالعه شود و گنجانده شود. جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - کافی است؟

(نمایندگان - بلی)

رئیس - پیشنهادی از آقای آقا سید یعقوب رسیده است قرائت میشود و بکمیسیون فرستاده میشود:

پیشنهاد میکنم ماده اول این نوع اصلاح شود: ماده اول هرگاه کسی مال منقول یا غیر منقولی را از تصرف متصرف آن (بدون اجازه کسیکه حق اجازه دارد) خارج کند با شروع بخارج کردن نماید یا مزاحم استفاده صاحب مال بشود مامورین حفظ انتظامات مکلف هستند از این تصرف عدوانی الی آخر.

رئیس - پیشنهاد دیگری از آقای طاهری رسیده است قرائت میشود:

مقام منبع ریاست دامت شوکته.

پیشنهاد میشود عبارت قسمت اول در ماده اول بقرار ذیل اصلاح شود:

ماده اول - در مواردی که يك یا چند نفر مال منقول یا غیر منقولی را از تصرف متصرف بدون رضایت او خارج می نمایند تا آخر ماده طاهری.

رئیس - از آقای وثوق هم يك پیشنهاد دیگری رسیده است قرائت میشود:

مقام عالی ریاست مجلس مقدس:

بنده پیشنهاد می کنم که ماده اول بعد از تصرف بعد از تحقیق اضافه شود سید مرتضی وثوق

رئیس - ماده دوم قرائت میشود.

(شرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای عظیمیا

دکتر عظیمیا - ابرادی که بنده داشتم در این ماده در قسمت بود يك قسمتش این است که ماده را طوری

نوشته اند که آن نتیجه که منظورشان است و از ماده میخواهند ازش در نمی آید. مینویسد مثلاً: مأمورین حفظ انتظامات عمومی نمیتوانند مال مزبور را بتصرف متصرف اول بدهند مگر با اجازه کتبی مدعی العموم محل و این اجازه داده نخواهد شد مگر در صورتیکه از تاریخ تصرف عدوانی بیش از یکماه نگذشته باشد. مگر اینجا اصلاً معنی ندارد رای اینکه مگر از کلیات استثناء است که بعد از نفی در می آید و اثبات میکند کلمه بعد را مثلاً میگوییم مجلس شورای ملی وضع مالیات نمیکند مگر وقتی که دولت محتاج باشد نه اینکه نباشد. همچو چیزی را کسی نمیکوید. باین جهت بنده پیشنهاد کرده ام و تقدیم میکنم که این را طوری بنویسند که آن نتیجه که میخواهند ازش در بیاید ولی حالا در نمی آید یکی دیگر اینکه اینجا نوشته اند که بیش از پنج فرسخ فاصله باشد و بعد که شرح میدهند می نویسند پنج فرسخ پس باید بایش از پنج فرسخ بنویسند یا اینکه اینجا هم پنج فرسخ بنویسند در هر صورت باید در هر دو جا يك جور باشد یا هر دو را بنویسد بیش از پنج فرسخ یا بنویسند پنج فرسخ. لهذا این پیشنهاد را بنده عرض میکنم که اصلاح شود يك جا می نویسند در پنج فرسخ و قبل از آن مینویسند بیش از پنج فرسخ.

وزیر عدلیه - اشکالی که ایشان فرمودند اتفاقاً قبل از بیان ایشان بنده اینجا با آقای مخبر محترم کیسیون گفتیم که بهتر است قسمت اول اصلاح شود و بشکل اثباتی نوشته شود. حالا این پیشنهادی را که آقایانیه فرموده اند و بنده هم قبلاً عرض کردم میبرد بکمیسون و در آنجا ملاحظه میشود - قسمت دوم را هم که فرمودید اصلاح عبارتی است و لازم است آنرا هم بفرستید بکمیسون اگر بهتر بود البته اصلاح خواهد شد.

رئیس - آقای دشتی مخالفید بفرمائید

دشتی - وقتی که آقای وزیر عدلیه این لایحه را

آوردند بمجلس شورای ملی خیلی اسباب خوشوقتی و مسرت شد برای اینکه يك اصول خیلی بدی مخصوصاً در نواحی دور دست جاری بود که يك کسی میرفت و مال دیگری را تصرف می کرد و تعدی میکرد و میگفت بصاحبش که برو عدلیه مخصوصاً قبل از تشکیل عدلیه جدید این کلمه برو عدلیه يك کلمه خیلی مهیب و وحشتناکی بود و مثل این بود که بکسی بگویند برو بجهنم و بالاخره این آدم ده سال پانزده سال یا همیشه از تحصیل حق خودش محروم میماند این قانون را برای این آورده اند که در واقع بکوتی دهنی حکمی باین اشخاص تعدی نزنند که مرتکب این اعمال نشوند و حتی در وقتی هم که کسی حق داشته باشد در مالکی خودش نتواند تصرف کند که خودش هم مدعی باشد و هم قاضی. خیر برو عدلیه وقتی حکم عدلیه صادر شد ملک را میدهند بتصرفش ولی خودش مجری قانون و قاضی و مدعی نباشد. ماده اول این لایحه هم خیلی خوب تنظیم شده است ولی مسأله دوم بعقیده بنده اثر این ماده اول را میبرد برای این که می نویسند با اجازه کتبی مدعی العموم. مأمورین نظمی نمی توانند این کار را بکنند مگر با اجازه کتبی مدعی العموم. خوب در جائی که مدعی العموم است بسیار خوب ولی در غالب جاها و نقاط دور دست یا مدعی العموم نیست یا مردم اطلاع ندارند و مدتی میگذرد و حتی از بین میبرد و نا بفهمد و بیاید بحاکم مراجعه کند و يك مسامحه و اهمالی هم بکند و دو روز فرضاً از يك ماه گذشت دیگر ناو میگویند که دو روز گذشته است و نمیشود برو عدلیه آنوقت باز همان حرف سابق برو عدلیه میشود در صورتیکه مقصود این نیست و این لایحه برای تسهیل امر و حفظ حقوق مردم تهیه شده است و باید مال در تصرف من باشد و او که تعدی است برو عدلیه و شکایت کند. بنده عقیده دارم مال کسی را که آمدند و عدواناً گرفتند و تصرف کردند باید بطور قطع یکسال و دو سال هم که شده است بگیرند از دست

تعدی و بهش بدهند و بعد آن تعدی اگر ادعائی دارد برو عدلیه شکایت کند و يك ماه کم است و بنده خواستم از آقای وزیر عدلیه تقاضا کنم (اگرچه البته نظرشان صحیح و صائب است) روی این روبرو که لایحه تنظیم شده است توضیحی بدهند تا بنده متقاعد بشوم اگر هم غیر از این است سعی کنند که در کیسیون عدلیه از ماده اولی را ماده ثانی خنثی نکنند.

وزیر عدلیه - نظر اساسی و اصلی در تقدیم این لایحه همین بوده است که نماینده محترم فرمودند از اینکه شخصی که خودش را بعیل و بخيال خودش احقاق حق میخواهد بکنند نکنند اگر کسی احقاق حق دارد از مجاری آن باید داخل شود و کسی خودش نمی تواند احقاق حق بکند و هرگاه کسی مالی را از تصرف کسی در آورند برای اینکه مال برگردد بتصرف آن شخصی که اول متصرف بوده است این قانون تنظیم شده است و برای اینکه این کار را بکنیم و مال را از دست شخص تعدی بگیرند و بتصرف اولی بدهند مطابق این قانون باید رفتار کنند بدون تشریفات زیادی و بالاخره این را هم تصدیق بفرمائید که این کار يك مرجعی می خواهد و تصدیق بفرمائید که مرجع آنهم باید مرجع دولتی باشد و ما آن مرجع را گفتیم اگر حاکم نباشد مدعی العموم آن جا باشد غرض این است که عوض اینکه بروند بمحکمه چون محکمه کار زیادی دارد تشریفات زیاد دارد و وقتش گرفته شده است هرگاه رجوع نمود مدعی العموم راحت تر و سهل است اگر مدعی العموم برو دوز دست بود یا امین صلح یا بحاکم یا نایب الحکومه یا مأمورین اطعمیه یا امنیه مراجعه نمایند چون بالاخره عرض کردم این کار يك مرجع دولتی لازم دارد و هم یکی از این مقاماتی است که ذکر شده است حالا اگر شما این اصل را قبول کردید دیگر اشکالی ندارد که حاکم یا نایب الحکومه یا مأمورین امنیه رسیدگی کنند اگر مدعی العموم نباشد و بنده نمیدانم اگر در

این مورد پنج فرسخ را شما يك فاصله زیادی میدانید ممکن است يك پیشنهادی بدهید برو بکمیسون مطالعه و بحث شود ولی بنده تصور میکنم که اگر پنج فرسخ يك جائی فاصله داشته باشد تا مدعی العموم البته این مسافت يك مسافت بعید نیست و میشود يك کاری کرد و رفت آنجا و این خیلی سهل تر و راحت تر است چون مدعی العموم بجزایات قضائی آشنا تر است و بهتر رسیدگی میکند و واقف است بجزایات امور اگر از پنج فرسخ بیشتر بود آمدیم و گفتیم خوب تا مدعی العموم خیلی راه است و فاصله زیاد است چه باید کرد؟ بالاخره باید يك نایب الحکومه یا حاکمی را مرجع این کار قرار داد که زیاد کار طول نکشد و بنده نمیدانم از چه نقطه نظر آقای نماینده محترم فرمودند که این ماده دوم اثر ماده اول را از بین میبرد برای اینکه ما در ماده دوم آمدیم و باز تکرار کردیم و گفتیم در مواردی که تصرف عدوانی در مکانی واقع شد اگر از آن محل تا مدعی العموم پنج فرسخ فاصله دارد مدعی العموم مراجعه نمایند اگر بیشتر است بحاکم یا نایب الحکومه یا امین صلح یا مأمورین اطعمیه یا امنیه مراجعه نمایند (آقایان بقوب - صحیح است) و راه دیگری را هم بنده نمیدانم که بتوان این قضیه را حل کرد با وجود این اگر يك راه حل دیگری که سهل تر و آسان تر باشد و بنظران میرسد پیشنهاد بفرمائید میبرد بکمیسون و اصلاح شود چون اصل مقصود بنده و مقصود شما و مقصود همه یکی است و تصور میکنم خیلی زود مقصود برسم اما راجع بمسئله يك ماه گمان میکنم این قضیه خیلی در اطرافش بحث شد و مخصوصاً یکی از آقایان نمایندگان محترم که گویا آقای کازرونی بودند همین مذاکره را فرمودند و بنده هم جواب خدمتشان عرض کردم اگر بنا باشد تصرف عدوانی را ما بخواهیم يك رسیدگی درش بکنیم مخصوصاً يك رسیدگی های خیلی مفصلی و بعد که ثابت شد اقدام کنیم این خودش يك محاکمه رسمی میشود و طول میکشد و حال آنکه منظور از تقدیم این لایحه برای این است که يك تحقیقات فوری

و اجالی اکتفا شود مدعی العموم یا حاکم محل تحقیقاتی بکنند تا معلوم شود که اینجا يك تصرف عدوانی بوده است یا نه و این کسی که الان عدواناً تصرف شده است آیا این مال را برخلاف رضایت از دست صاحبش یا تصرفش خارج کرده اند یا نه اگر برخلاف رضایت و عدوانی بوده از او بگیرند و بدهند بدست متصرف اولی (حالا با مالک بوده است یا نبوده است چون ممکن است مالک نباشد و متصرف باشد) در هر حال بتصرف متصرف اولی بدهند و تا این تحقیقات و رسیدگی های فوری و مقدمانی نشود ممکن نیست مال را از آن کسی که بعد گرفته خارج کرد و بدست متصرف اولی داد از طرفی هم این رسیدگی و تحقیقات زود باید بشود و خیلی نباید فاصله باشد بین تصرف عدوانی و تحقیقات بعدی و رسیدگی که میشود منتهی رسیدگی اولی اجالی است و مقدمانی و بی تشریفات و نزدیک يك دلائل و امارات و شهودی که میشود تشخیص قضیه را داد. حالا اگر شما گذاشتید قضیه زیاد طول بکشد و بهمان آقای کازرونی که میفرمودند سه ماه حالا نمابند محترم آمده اند پیشنهاد میفرمایند يك قدری قدم را وسیع تر و بلند تر گذاشته اند و دو سال میفرمایند

دستی - در صورت تحقیق عرض میکنم

وزیر عدلیه - البته تحقیق این قضیه از همان رسیدگی در محکمه میشود ولی اگر ما بیائیم و مطابق عقیده جناب عالی مدت را زیادتر بکنیم آن سرعت و آن تحقیق مقدمانی لازم که منظور نظر همه است از بین میرود چون همیشه يك قضیه است که بین اطمینان قطعی و سرعت عمل يك تناسب مستقیمی وجود دارد. مثلاً ملاحظه بفرمایید وقتی که يك کاری میرود بعد از مدتی طول میکشد برای این است می خواهند نتیجه مطمئن بدهد و مراحل بیشتری برایش قائل میشوند مثلاً بعد از ابتدائی میگویند برود باستیفاف بعد برود به تمیز (چون يك تمیزی هم هست) و احکام در تمیز ممکن است نقض شود اگر نقض شد باز دوسریه

از سر گرفته میشود و اینها خودش مدتی طول میکشد برای حصول اطمینان بیشتر. حالا آمده اند و در حاشیه آن طریقی که انسان را میبرد يك نتیجه قطعی و مطمئن يك چیزهایی که خیلی فوریت دارد برایش طرق خاصی معین کرده اند که به سرعت انجام شود ولی البته این کار سریع آن اطمینان اولیه بهش نیست این است که بعد می آیند و میگویند اگر تصرف عدوانی شد ما با این وسائل سریع میآئیم و برش میگردانیم بعد اگر آن شخص ادعائی دارد حقی را مطالبه می کند باید برود بعد از آن وسائل مطمئن که عرض کردم رسیدگی و احقاقی حق بشود و اطمینان قطعی حاصل شود ولی راجع تصرف عدوانی تا وسائل و دلائل و امارات ناز و نزدیک است باید اقدام کرد و اگر آن طرف حقی مطالبه میکند باید برود از مجاری قانونی عدلیه تعقیب کند و خودش مبادرت بتصرف نکند ولی اگر ما این سرعت را از تصرف عدوانی بگیریم دیگر نمیشود رسیدگی کرد و وقتی رسیدگی کرد پس باید فاصله را کم کرد و مدت را کاست تا درست رسیدگی شود آن طرف هم اگر ادعائی دارد بعد برود بحاکم صالحه و مجاری قانونی مراجعه نماید جمعی از نمایندگان - صحیح است. مذاکرات کافی است.

آقا سید یعقوب - خبر کافی نیست

روحی - بنده مخالفم کافی نیست آقا بنده عرض دارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده بعرض آقایان میرسانم که هم آقای وزیر عدلیه و هم اعضاء کمیسیون عدلیه مایل هستند که آقایان زود بگویند مذاکرات کافی است لایحه را آورده اند مجلس از برای اینکه شور بشود درش. مذاکره بشود. فوری که نیست می خواهند جلب نظر درش بشود اگر فوری بود بقید فوریت میاورند بای فرستادند بکمیسیون. پس بمجلس آمده که بحث بشود

و این لایحه است که تماس باهمه دارد و هرچه درش بحث شود در مطبوعات بحث شود تنقید شود و در اطراف آن چیز نوشته شود بهتر است ما قانون را برای استفاده عموم می نویسیم که هرکس هر نظری دارد ابرادی دارد بگوید بنویسد نه اینکه این حتماً از دهان ما بیرون آمده است و باید اجرا شود بنا بر این چون باید بیشتر شور و مطالعه بشود بنده با کفایت مذاکرات مخالفم. در اینجا خواستم آقای وزیر محترم عدلیه را توجه بدهم چون فضا ما کاملاً همچو تصرف ظاهر قانون جود دارند و این البته خیلی خوب است مجرد قانون را در نظر میگیرند و خیلی بنده خوب میدانم برخلاف اینکه در عدلیه ساقی که روح قانون را گرفته بودند و جسد قانون را رها کرده بودند با هرچه گفتیم این روح ناپاک است نباید ولی کسی توجه نمیکرد اما حالا خوب گذشت ولی فعلاً همه فکات عدلیه ما مواظب هستند بحفظ کردن قانون. خوب در این عبارت نوشته است تصرف عدوانی را بامین ملج میگویند و اطلاع میدهند اگر نبود بحاکم. نایب الحکومه - بامورین امنیه، نظامیه الی آخر بنده خواستم عرض کنم در اینجا که مینویسد امین صلح دیگر آن تشریفات محاکمه را لازم نداشته باشد و بمجردی که بامین ملج شکایت کردند از تصرف عدوانی امین صلح دیگر در جواب متشکی بقتیرفات محاکمه نپردازد خبر و در همان روز امین صلح حکم بدهد امر بدهد بامورین خودش دیگر عریضه بردارد و بنویسد و خبر کند و عرض حال بدهد لازم نیست امین صلح باید فوراً امر بدهد که رفع تصرف عدوانی بشود این توضیحی است که بعقیده بنده لازم است در ماده قید شود چون نوبت برده میشود که بقتیرفات محاکمه در کار است و این اسباب معطلی و تأخیر رفتن مال آن بیچاره میشود - یکی دیگرم اینکه آنجا آقای یاسائی جوابی در مقابل عریاض بدوی بنده فرمودند که بنده نااندازه می توانم. . . چون معتقد هستم بقتیرفات ایشان ولی در مقام عمل باز نمیشود. بن است که فرمودند که حاکم یا نایب الحکومه بنده

عرض میکنم حاکم یا نایب الحکومه خودش نمی تواند حفظ انتظامات کند امین صلح هم که در پشت میز نشسته یا نمیشود برود در وسط بازار یا در کوچه و جلوی متعددی را بگیرد این امین صلح یا نایب الحکومه امر میدهد که در این کار مأمورین اقداماتی بکنند - پس ما باید در این جا قید کنیم بامر کتبی نایب الحکومه یا حاکم و الا متشکی که آمد حاکم یا نمیشود شخصاً برود محل وقوع قضیه و حکم بدهد پس آن نظری که مادر حفظ مال مردم داریم آن نظردرست در این ماده منظور و عملی نمیشود پس ما اینجا عنوان حاکم یا نایب الحکومه را بنویسیم نمی توانیم دل خوش باشیم چون اینجا که خودشان نمیروند آنجا و حکم یا امر بدهند مثل مأمورین نظامیه و مأمورین امنیه. پس این را بعقیده بنده باید اصلاح کرد و کاملاً روشن ساخت و پیشنهاد میکنم که برای شور دوم اصلاح شود و الا در اساس این همه موافقت. (صحیح است)

وزیر عدلیه - بیاناتی که آقای نماینده محترم فرمودند بطوریکه یکی از آقایان نمایندگان محترم میگویند و بنده نقل قول ایشان را میکنم «توضیح و اوضاحت است» بنده هم عرض میکنم این توضیح و اوضاحت است معلوم است که حاکم خودش نمیرود نایب الحکومه همینطور ولی چون خوب گاهی ممکن است که توضیح و اوضاحت ذکرش مفید باشد این است که پیشنهاد ایشان میرود بکمیسیون و در آنجا مطالعه و بحث میشود چنانچه خودشان متقاعد شدند که توضیح و اوضاحت است و لازم نیست که هیچ اگر هم خبر و موافقت شد از طرف کمیسیون چه بهتر و نظر آقا نامین میشود (صحیح است)

رئیس - آقای روحی فرمایشی دارید؟

وزیر عدلیه - بنده اجازه می خواهم که از آقایان خواهش کنم بقیه این ماده و مذاکرات در این لایحه بماند برای جلسه آتی و موافقت بفرمایند چون آقای وزیر مالیه کاری دارند تقاضا دارند زودتر از مجلس بگذرد

و بنده هم در عالم همکاری نمی خواهم این قضیه طول بکشد و ایشان معطل بشوند بنا بر این خواهش میکنم این لایحه بماند برای جلسه بعد و کار ایشان مقدم باشد (صحیح است)

روحی - چون آقای وزیر عدلیه تقاضا کردند بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد بنده هم بعد عرض خواهم کرد و فعلا عرضی ندارم

(۷ - اجازه استخدام رئیس محاسبات کل مالیه)
(از آلمان)

رئیس - آقای وزیر مالیه فرمایشی داشتید؟

وزیر مالیه - بنده خواستم استدعا کنم که لایحه استخدام رئیس محاسبات وزارت مالیه را اگر آقایان اجازه می فرمایند جزء دستور و مطرح شود.

رئیس - مخالفی نیست؟ (معارضی نبود)

رئیس - بطوریکه خاطر آقایان مستحضر است شور اول این لایحه گذشته و کمیسیون خارجه هم خبر قبل خودش را تأیید کرده است. ماده واحده قرائت میشود و اگر مخالفی نباشد رای میگیریم
(ماده واحده خبر کمیسیون امور خارجه این قسم)
(قرائت شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب می نماید استخدام يك نفر رئیس محاسبات کل که بموجب قانون مصوب ۱۶ بهمن ماه ۱۳۰۶ مقرر گردیده است از اتباع آلمان انجام گیرد

رئیس - آقای روحی موافقت؟

روحی - بلی

رئیس - آقای زوار؟

زوار - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب؟

آقا سید یعقوب - مخالفم.

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - خیلی بنده متأسف هستم این لایحه که آمد دو سه مسئله در این جا ذکر شد و در بعضی از مطبوعات ما برخلاف واقع چیزهایی نوشته شد و يك اشتباهاتی ایجاد شد که بنده ناچارم توضیحانی عرض کنم و رفع اشتباهاتی که از قلم خارج شده عرض کنم و کاملاً آنها را تکذیب کنم. بنده در اینجا ابتدا کلمه (شین) و (ر) یا (سین) و (ر) را عرض نکردم. من نگفتم رئیس تقنینی آمده است انومیل بیوک خریده است این جرائد را نگاه کنید که بر میدارند و بنده را تکذیب مینمایند آنوقت از من بیایند و ما را بگذارند و بگویند نماینده محترم حرفش مبتنی بر اساس صحیحی نیست. خیر نماینده محترم خیلی حرفش مبتنی بر اساس است. این صورت مجلس است ملاحظه بفرمائید که بنده چه گفته ام. من کی کلمه شین و ر گفتم کی گفتم شر که يك مرتبه بر میدارند و مرا تکذیب میکنند اینها يك درد هائی است که وزیر عدلیه که میاید بمجلس باید مستحضر باشد: میدارند ما مورین و خود بخود در جرائد و کیل را تکذیب می کنند آقا بر دارید شما و این صورت مجلس را نگاه کنید این مطالب است بنده کی گفتم دکنر شر همه آقایان این جا بودند همه متوجه بودند آنوقت بر میدارند و می نویسند که حرف نماینده محترم مبتنی بر صحت نبوده است. خبر خیلی خیلی مبتنی بر صحت بوده است همه چیز است. راجع بایشان نبود راجع بکس دیگر بود. بنده راجع بپانك ملي مثلاً خیلی از این رئیس پانك ملي تشکر دارم برای اینکه دیدم و می بینم که يك کار هائی را کرده و يك قدمهائی برداشته است لیکن این عشق وحدت پرستی برای ما پس فردا اسباب میشود که بگوئیم این را نمیخواهیم آنوقت نه این زحماتی که این رئیس پانك کشیده است از بنا

میرود و آنوقت يك چیزی را که در مجلس شورای ملی بنده اینطور فریاد زدم که پانك ملي بکانه محل آرزوی ما است از بین برود و میترسم يك روزی همین جور که امروز توجه کردیم آلمانی باشند پس فردا بگوئیم يك نفر آلمانی نباشد آنوقت پانك ملي را چه کار کنیم حرف بنده این است. رفتند و غیر واقع گفتند این يك مسئله. مسئله دیگر گرچه یکی از رفقای بنده میگفت که این معاون مالیه آدم خیلی فاضلی است، آدم فاضل صاحب العمل ولی ایشان نباید بگویند که بنده فلائکس را تکذیب میکنم بنده محض خاطر آقای وزیر مالیه که از رفقای قدیمی هستم از زمان مشروطیت و این ها حرفی نمیزنم ولی این قدر ها حاضر نیستم که آقا بنده را تکذیب کنند بنده ایشانرا اگر خیلی عالم هستند تقدیس میکنم ولی معذراً حاضر نیستم که بنده را با این ریش تکذیب کنند ایشان باید حدود خودشان را متوجه باشند و کیل هم حدود خودش را توجه داشته باشد، بنده آرزو میکنم که غیر واقع باشد ولی چون غیر واقع نبود ظلم بحال بنده کردند چون بنده میخواهم در اینجا داد خواهی کنم عرض میکنم بد کردند بنا بر این میخواهم عرض کنم که حضرت عالی تشریف بیاورید و يك محاکمه معین کنیم و میخواستم بمقام ریاست هم عرض کنم که جلسه خصوصی بکنند و حضرت اجل عالی هم تشریف بیاورید، صورت مجلس هم در آنجا باشد و حقایق در آنجا کشف شود اگر در مجلس شورای ملی حقایق کشف نشود کجا کشف میشود؟ اما موضوعی که عقیده بنده است این است و پیشنهاد هم کرده ام که از پانك ملي باشد همه آقایان میدانند که ما مورین پانکی خیلی بایران خدمت کرده اند و در کار و اینها يك مردمانی هستند که يك سوابق خوبی دارند نظر باینکه پانکیها خیلی خوب اداره کردند پستخانه گمرکات ما را خوب اداره کردند بنده گفتم حالا که بنا شد دو نفر باشد و گفتند از سوئیس پیدا نشود رئیس محاسبات از سوئیس پیدا نمیشود و ملائکت

سوئیس با آن علم و فضل يك محاسب ندارد با آن فلسفه که در دوره ششم گفته شد که در عوائد و مخارج و جمع و خرج دو نظر باشد يك نظر جمعی باشد، يك نظر خرجی خزانه دار ما از آلمان آمده است خوب است رئیس محاسبات هم از سوئیس باشد حالا که از سوئیس نشد بنده میگویم که خزانه دار ما از آلمان است رئیس محاسبات از پانك ملي باید از پانك ملي بخوانید از يك ملائکت دیگر غیر از آلمان بنده نهایت حسن ظن را دارم اما حسن ظن بنده از دست راست خودم بدست چپم این است بنده که نماینده مجلس شورای ملی هستم در اینجا صحبت میکنم بقدری که میتوانم مواظبت کنم و عقیده خود را بگویم میدانم آقای وزیر مالیه خیلی صاحب العمل است وزیر عدلیه و دولتماندان خیلی صاحب العمل است ولی تکلیف آنها رفع تکلیف از ما نمیکند بنده باید حرفم را بزنم بنده با آقای فرزند که بکانه محل امید واری ما است و فوق العاده بایشان اطمینان داریم عرض میکنم که ما میخواهیم جمع و خرج یعنی خزانه دار و محاسب ما از دو ملائکت باشد حالا بفرمائید از پانك ملي نباشد از جای دیگر باشد این اولاً و ثانیاً تصدیق میفرمائید که بنده يك آدم شکر گذار و حق گذار هستم مستر کر که آمد اینجا محاسبات ما را خیلی خوب تمرکز داد و تنظیم کرد محاسبات ما يك محاسبات خیلی صحیحی است و يك اشخاصی را هم در آن جا برگزیده اند و آزمایش کرده اند مثل فروزان و اینها که وقتی می آمدند در کمیسیون بودجه خیلی خوب چیز میفهمیدند محاسبات ما خیلی خوب شده است خوب شما با این اشخاص که دارید با همان اشخاص محاسبات را اداره کنید اگر کسی را ندارید که دارید اعضاء مالیه تاب خیلی خوب ترقی کرده اند خوب هم کار میکنند توجه هم بهشان هست اینقدر دیگر پول خرج نکنید پول تلف نکنید. این بوده نظریات بنده که اولاً رئیس محاسبات بیاورید ولی حالا شما که وزیر مالیه ما هستید میفرمائید که باید بیاوریم چون طرف اطمینان هستید و شما هم

و بنده هم در عالم همکاری نمی خواهم این قضیه طول بکشد و ایشان معطل بشوند بنا بر این خواهش میکنم این لایحه بماند برای جلسه بعد و کار ایشان مقدم باشد (صحیح است)

روحی - چون آقای وزیر عدلیه تقاضا کردند بقیه مذاکرات بماند برای جلسه بعد بنده هم بعد عرض خواهم کرد و فعلا عرضی ندارم

(۷ - اجازه استخدام رئیس محاسبات کل مالیه)
(از آلمان)

رئیس - آقای وزیر مالیه فرمایشی داشتید ؟

وزیر مالیه - بنده خواستم استدعا کنم که لایحه استخدام رئیس محاسبات وزارت مالیه را اگر آقایان اجازه می فرمایند جزء دستور و مطرح شود .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (معارضی نبود)

رئیس - بطوریکه خاطر آقایان مستحضر است شور اول این لایحه گذشته و کمیسیون خارجه هم خبر قبل خودش را تأیید کرده است . ماده واحده قرائت میشود و اگر مخالفی نباشد رای میگیریم
(ماده واحده خبر کمیسیون امور خارجه این قسم)
(قرائت شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصویب می نماید استخدام يك نفر رئیس محاسبات کل که بموجب قانون مصوب ۱۶ بهمن ماه ۱۳۰۶ مقرر گردیده است از اتباع آلمان انجام گیرد

رئیس - آقای روحی موافقت ؟

روحی - بلی

رئیس - آقای زوار ؟

زوار - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب ؟

آقا سید یعقوب - مخالفم .

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - خیلی بنده متأسف هستم این لایحه که آمد دو سه مسئله در این جا ذکر شد و در بعضی از مطبوعات ما برخلاف واقع چیزهایی نوشته شد و يك اشتباهانی ایجاد شد که بنده ناچارم توضیحانی عرض کنم و رفع اشتباهاتی که از قلم خارج شده عرض کنم و کاملاً آنها را تکذیب کنم . بنده در اینجا ابتدا کلمه (شین) و (و) با (سین) و (و) را عرض نکردم . من نگفتم رئیس تقنینش آمده است انوهیل بیوک خریده است این جراند را نگاه کنید که بر میدارند و بنده را تکذیب مینمایند آنوقت از من بیایند و ما را بگذارند و بگویند نماینده محترم حرفش مبتنی بر اساس صحیحی نیست . خیر نماینده محترم خیلی حرفش مبتنی بر اساس است . این صورت مجلس است ملاحظه بفرمائید که بنده چه گفته ام . من کی کلمه شین و ر گفتم کی گفتم شر که يك مرتبه بر میدارند و ما را تکذیب میکنند اینها يك درد هائی است که وزیر عدلیه که میاید بمجلس باید مستحضر باشد : میدارند ما مورین و خود بخود در جراند وکیل را تکذیب می کنند آقا بر دارید شما و این صورت مجلس را نگاه کنید این مطالب است بنده کی گفتم دکنز شر همه آقایان این جا بودند همه متوجه بودند آنوقت بر میدارند و می آویسند که حرف نماینده محترم مبتنی بر صحت نبوده است . خبر خیلی خیلی مبتنی بر صحت بوده است همه چیز است . راجع بایشان نبود راجع بکس دیگر بود . بنده راجع بانك ملي مثلاً خیلی از این رئیس بانك ملي تشکر دارم برای اینکه دیدم و می بینم که يك کار هائی را کرده و يك قدمهائی برداشته است لیکن این عشق وحدت پرستی برای ما پس فردا اسباب میشود که بگوئیم این را نمیخواهیم آنوقت این زحماتی که این رئیس بانك کشیده است از این

میرود و آنوقت يك چیزی را که در مجلس شورای ملی بنده اینطور فریاد زدم که بانك ملي بکانه محل آرزوی ما است از بین برود و میترسم يك روزی همین جور که امروز توجه کردیم آلمانی باشند پس فردا بگوئیم يك نفر آلمانی نباشد آنوقت بانك ملي را چه کار کنیم حرف بنده این است . رفتند و غیر واقع گفتند این يك مسئله . مسئله دیگر گرچه یکی از رفقای بنده میگفت که این معاون مالیه آدم خیلی فاضلی است ، آدم فاضل صاحب العمل ولی ایشان نباید بگویند که بنده فلاکتس را تکذیب میکنم بنده محض خاطر آقای وزیر مالیه که از رفقای قدیمی هستیم از زمان مشروطیت و این ها حرفی نمیزنم ولی این قدر ها حاضر نیستم که آقا بنده را تکذیب کنند بنده ایشان را اگر خیلی عالم هستند تقدیس میکنم ولی معذراً حاضر نیستم که بنده را با این ریش تکذیب کنند ایشان باید حدود خودشان را متوجه باشند وکیل هم حدود خودش را توجه داشته باشد بنده آرزو میکنم که غیر واقع باشد ولی چون غیر واقع نبود ظلم بحال بنده کردند چون بنده میخواهم در اینجا داد خواهی کنم عرض میکنم بد کردند بنا بر این میخواهم عرض کنم که حضرت عالی تشریف بیاورید و يك حاکمه معین کنیم و میخواستم مقام ریاست هم عرض کنم که جلسه خصوصی بکنند و حضرت اجل عالی هم تشریف بیاورید ، صورت مجلس هم در اینجا باشد و حقایق در اینجا کشف شود اگر در مجلس شورای ملی حقایق کشف نشود کجا کشف بشود ؟ اما موضوعی که عقیده بنده است این است و پیشنهاد هم کرده ام که از بلژیک باشد همه آقایان میدانند که ما مورین بلژیکی خیلی بار بار خدمت کرده اند و در کار و اینها يك مردمانی هستند که يك سوابق خوبی دارند نظر باینکه بلژیکیها خیلی خوب اداره کردند پستخانه گمرکات ما را خوب اداره کردند بنده گفتم حالا که بنا شد دو نفر باشد و گفتند از سوئیس پیدا نمیشود رئیس محاسبات از سوئیس پیدا نمیشود و ما يك

سوئیس با آن علم و فضل يك محاسب ندارد با آن فلسفه که در دوره ششم گفته شد که در عوائد و مخارج و جمع و خرج دو نظر باشد يك نظر جمعی باشد ، يك نظر خرجی خزانه دار ما از آلمان آمده است خوب است رئیس محاسبات هم از سوئیس باشد حالا که از سوئیس نشد بنده میگویم که خزانه دار ما از آلمان است رئیس محاسبات از بلژیک بیاید از بلژیک نمیخواهید از يك ملک دیگر غیر از آلمان بنده نهایت حسن ظن را دارم اما حسن ظن بنده از دست راست خودم بدست چپم این است بنده که نماینده مجلس شورای ملی هستم در اینجا صحبت میکنم بقدری که میتوانم مواظبت کنم و عقیده خود را بگویم میدانم آقای وزیر مالیه خیلی صحیح العمل است وزیر عدلیه و دولتمانی خیلی صحیح العمل است ولی تکلیف آنها رفع تکلیف از ما نمیکند بنده باید حرفم را بزنم بنده با آقای فرزین که بکانه محل امید واری ما است و فوق العاده بایشان اطمینان داریم عرض میکنم که ما میخواهیم جمع و خرج یعنی خزانه دار و محاسب ما از دو ملک باشد حالا بفرمائید از بلژیک نباشد از جایی دیگر باشد این اولاً و ثانیاً تصدیق میفرمائید که بنده يك آدم شکر گذار و حق گذار هستم مستر کر که آمد اینجا محاسبات ما را خیلی خوب تمرکز داد و تنظیم کرد محاسبات ما يك محاسبات خیلی صحیحی است و يك اشخاصی را هم در آن جا بر گزیده اند و آزمایش کرده اند مثل فروزان و اینها که وقتی می آمدند در کمیسیون بودجه خیلی خوب چیز میفرمایند محاسبات ما خیلی خوب شده است خوب شما با این اشخاص که دارید با همان اشخاص محاسبات را اداره کنید اگر کسی را ندارید که دارید اعضاء مالیه تاب خیلی خوب ترقی کرده اند خوب هم کار میکنند توجه هم بهشان هست اینقدر دیگر پول خرج نکنید پول تلف نکنید . این بوده نظریات بنده که اولاً رئیس محاسبات بیاورید ولی حالا شما که وزیر مالیه ما هستید میفرمائید که باید بیاوریم چون طرف اطمینان هستید و شما هم

محتاج هستند بنده عقیده ام این است که از غیر آلمان بیاورید از بلژیک بیاورید از سوئد بیاورید از جاهای دیگر بیاورید که غیر از آلمانی باشد باید در مالیه نظر جمعی غیر از نظر خرجی باشد نظر خرجی در دست کسی دیگر باشد نظر جمعی در دست يك نفر دیگر. این است که بنده عقیده ام این است روز نامه هم همینطور ضبط کنند پس فردا دیگر بنده را در روز نامه فرانسه و فارسی تکذیب نکنند.

فرزین (وزیر مالیه) -- در قسمت اولی که آقای آقا سید یعقوب اظهاراتی فرمودند که مذاکره بوده است در آن جلسه که بنده حاضر نبودم بنده تصور میکنم که اشتباهات زیادی در کار نبوده است و متأسف هستم از اینکه تکذیبی بعمل آمده باشد بجهت اینکه البته دولت در وزارت خاها همیشه استفاده میکنند از مذاکراتیکه در مجلس میشود و یاد آورهای که میشود که در مجلس همیشه نظریات دولت تصحیح میشود و ماهم میل داریم که از این تذکراتی که در مجلس داده میشود همیشه استفاده کرده باشیم و تکلیف مجلس هم همین است و دولت هم مستظهر است همیشه باین قبیل مذاکراتی که در مجلس میشود خاصه از طرف نمایندگان محترمی که دقت دارند در این قبیل مسائل و اگر يك چیز بوده است يك اشتباه لفظی بوده است و اشتباه عبارتی بوده است و چیزی نیست که اینقدر اهمیت داشته باشد که لازم باین چیزها باشد. در اصل موضوع گمان میکنم آقای آقا سید یعقوب قانع هستند تا يك اندازه در اصل قضیه که عبارت است از استخدام يك نفر برای ریاست محاسبات. خاطر محترم آقایان هست که اساساً این مسئله بموجب قانون در موقع خودش برای چهار نفر مستخدم تصویب شده است يك تفاوت مختصری در کار پیدا شده است که این تفاوت تصور میکنم ایجاد يك طول مدت و يك تفاوت هائی را کرده باشد و آن عبارت از این بوده است که يك خزانه دار کل و يك نفر رئیس محاسبات بموجب آن قانون مقرر بود از سوئیس

باشد از آلمان چون طرز محاسبات آنجا و استاز محاسباتی که آنجا میکنند (بنده از نزدیک دیده ام البته با اصطلاح مبکر این فکر بنده نیست) ولی تصدیق میکنم که طرز اداری محاسباتی آلمانی متناسب تر است با احتیاجات محاسباتی ادارات ما تا آن طریزی که در سوئیس معمول است فقط این تفاوت است و تفاوت دیگری در کار نیست و يك نفر هم برای این کار در نظر گرفته شده است که معلومات او از طرف ادارات مربوطه وزارت خارجه و وزارت مالیه آلمان تصدیق شده است و ما مطمئن هستیم از معرفی که از این شخص کرده اند از صلاحیت او در این رشته کار و از صلاحیت شخص خودش این است که این شخص در نظر گرفته شده است و اگر مجلس تصویب بفرماید زودتر این شخص بیاید و يك قدری هم احتیاج داریم که این شخص زودتر بیاید و کار کنیم و البته آقای آقا سید یعقوب هم نظر خوبی دارند که در کارها ما باید ایرانیها را در نظر داشته باشیم و البته حتی الامکان ما باید يك کاری بکنیم که ترقیات اداری ما بيك پایه برسد که انشاء الله طناب ما از زیر بار مستخدم از خارج آوردن و این قبیل چیزها کشیده شود و خود مان بتوانیم این کارها را بکنیم اگر يك قدری توجه بفرمایید یعنی از ده سال قبل بیست سال بیست و پنج سال قبل وضعیت ما خیلی تفاوت کرده است و در مملکت ایران شصت و سه نفر المتریکی بودند برای گمرکات و پست و بعضی کارهای دیگر (دشمنی - مستخدمین خارجی حالا بیشتر از آنوقت است) ولی امروز می بینیم که يك تفاوتهای فاحشی کرده است و یکمده ده دوازده نفر بیشتر نیستند و البته هر چه زمان بگذرد و البته هر چه مأمورینی که خودمان داریم پیش بروند و بهتر متب شوند و از عهده بر آیند که ادارات را رفته رفته بتوانند به قنهای مرتب نگاه دارند بدیهی است که ما از عدد مستخدمین خارجی کم میکنیم شاید برسد انشاء الله يك دوره از ادوار که در همین مجلس به بینیم که ایرانیهای که کار کرده اند با اصالت و نجات و کار دانی

هم تصویب کرد و الان يك قسمت بیشتر از کار های محاسباتی با خزانه داری است . بنده میخواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم که مقصودشان این است که باز انفرات محاسباتی که بخزانه رفته اند برگرداند محاسبات کل و در تحت نظر این شخص که می آید کار کنند بانه اگر مقصود این است که آوردن رئیس محاسبات خیلی لازم است چون محاسبات بر میگردد بصورت اول و يك رئیس کل محاسبات که از خارجه استخدام شده و در رأس آنها واقع شود عیبی ندارد ولی اگر با وضعیت فعلی است ابتدا رئیس محاسبات لزومی ندارد زیرا کار با خزانه است و در تحت نظر خزانه دار رسیدگی محاسبات میشود زیرا بودجه و تشکیلات خزانه داری توسعه یافت و بودجه محاسبات کل انتقال یافت با آنجا برای اینکه میگفتند اگر کار دو قسمت شود از نقطه نظر ایجاد يك نظارتهاائی و يك مراقبت هاائی بهتر خواهد بود و شاید آقای فرزند هم که وزیر مالیه شدند از نقطه نظر عمل وضعیت را تغییر داده باشند که بنده اطلاع ندارم در هر صورت بنده میخواستم نظریه ایشان را از نظر آتی و ارجاع کار باین شخص بدانم که در موافقت خودم باین شخص فکرم روشن باشد .

وزیر مالیه -- بلی يك مقداری از محاسبات کل وزارت مالیه که سابقاً در خود وزارتخانه بوده است انتقال داده شده است به خزانه داری . این مسئله که آیا يك مقدار از محاسبات مملکتی در خزانه داری باید دیده شود یا در مالیه يك مبحثی دارد که سالها است در جریان است . حتی يك وقتی که خود بنده خزانه دار کل بودم بنا بر عادت سابقه به بنده میگفتند که بهتر است يك مقدار از محاسبات که در مالیه است انتقال بدهیم بخزانه داری کل . در همانوقت با این که شاید تجربه بنده نسبت باسروز کمتر بود این فکر پیش آمد که به بدینم آيا ضرورت دارد این عمل بانه و به بدینم محل کار در کجا باید باشد . خود بنده در آنوقت متقاعد نشدم که

يك قسمت از کارهای رسیدگی بمحاسبات و غیره در خزانه داری کل باشد و همین جهت بود آن مقدار بکه از محاسبات ضرورت داشت که در خزانه داری کل باشد منتقل کردم بانجا و بقیه را در وزارت مالیه گذاشتیم در این اواخر بنده می بینم که يك قسمت از محاسبات کل انتقال داده شده است بخزانه داری کل و واضح است که برای نتیجه عملی که ما میخواهیم در محاسبات کل وزارت مالیه فرقی نمیکند اعضا همان عضو سیستم همان سیستم و رسیدگی هم باید محاسبات بشود اعم از اینکه در وزارتخانه باشد یا در خزانه داری ولی صحیح میفرمائید اینجا يك جله هاائی پیدا میشود که باید مربوط باشد و ربطی باید بن صحبت ها باشد آنچه که بنظر بنده می آید این است که يك مقداری از این رسیدگی های محاسباتی خزانه داری کل در خود وزارت مالیه خواهد شد و منظور از استخدام یکنفر رئیس محاسبات کل برای وزارت مالیه هم این است که نه تنها رسیدگی شود بمسائل جاری روزانه بلکه آنچه را که تا بحال مادارا نبوده ایم امیدوارم که بعد ها بتوانیم دارا باشیم یعنی يك قوه مبتکران که ما آرزویش را داریم برای اینکه سیستم محاسباتی مملکتی بصورت بهتری در بیاید یعنی شاید يك دولتی را حذف کنند و يك چیزهاائی که شاید تا بحال از نظر ما مجرب بوده است اینها را برقرار نمایند و من حیث الامور يك محاسبات کل مملکتی که آن محاسبات بتواند املا کردش محاسباتی را تأمین بکند چه از داخل وزارتخانه و چه نسبت بنمایم وزارتخانه های دیگر دائر کنیم و این انتظار است که از یکنفر رئیس محاسباتی که در مالیه يك مملکت خارجی کار کرده است داریم که شاید بیاید و این منظور ما را بتواند عملی کند جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- تبصره آقای اعتبار پیشنهاد کرده اند فرائض میشود :

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم :
وزارت مالیه آلمان تخصص مأمور مزبور را تصدیق

خواهد نمود .

رئیس -- آقای اعتبار

اعتبار -- این منظور را ما در استخدام مأمورین خارجه همیشه رعایت میکردیم که در کنترانهائی که بنوشتم این منظور بعمل آید آقای وزیر مالیه هم فرمودند که این منظور بعمل آمده است این بود که بنده میخواستم این منظوری که همیشه بعمل آمده است در این قانون هم گنجانده شده باشد .

وزیر مالیه -- احتیاطی را که آقای اعتبار فرمودند خیلی خوب است و بجا هم هست ولی اگر عرض نکرده بودم که این منظور بعمل آمده است ذکرش در خود قانون خوب بود ولی بنده عرض کردم که این منظور بعمل آمده است و ما اطلاعات کافی از ادارات مربوطه و وزارتخانهائی که مربوط باین کار هستند راجع باین شخص گرفته ایم

اعتبار -- بنده پس میکنم .

آقای سید یعقوب -- بنده این پیشنهاد را قبول میکنم فلم نشدم . بنده این تبصره را قبول میکنم لازم است رئیس -- بفرمائید .

آقای سید یعقوب -- موضوع باز همان مسئله ایست که فرمودند یکی تکلیف قوه مجریه است یکی تکلیف قوه مقننه است . بنده عرض میکنم آقای فرزند هم فرمودند که ما این کار را کرده ایم بنده عرض میکنم ما این طور قانون باید بنویسیم که مستخدم خارجی را که می آوریم تخصص او را دولتش تصدیق کرده باشد در تمام مستخدمینی که آورده ایم این قید را کرده ایم درست

است شما عمل میکنید ولی قید در قانون هم لازم است از این نظر است که بنده میکنم باید باشد .

وزیر عدلیه -- بنده خیلی تعجب میکنم که يك چیزی را که وزیری در مجلس میکوبد و میکوبد که این جور واقع شده است باز درش صحبت میشود اگر به او اعتماد نیست که اصلاً نباید کار باو بدهید ولی وقتی میکوبد این امری که شما می خواهید بگوئید که بعد انجام بدهیم انجام داده شده است دیگر مذاکره لازم ندارد وقتی که يك وزیری که شما باو اعتماد دارید میکوبد این عمل انجام شده است همچو اظهاری آقا دیگر اظهار اعتماد نسبت بیک وزیری نیست ۱۱ و بنده استدعا میکنم آقا پیشنهاد خودشان را پس بکشند

آقا سید یعقوب -- چون سوء تفاهم شد بنده استدعا میکنم بعد آقای وزیر عدلیه را بیرون متقاعد میکنم رئیس -- ماده واحده را قرائت میکنم و رای میکنیم (بشرح سابق خوانده شد)

رئیس -- موافقت با ماده واحده قیام فرمایند (اکثر حضار قیام نمودند) تصویب شد .

(۷ -- موقع و دستور جلسه بعد -- ختم جلسه)
رئیس -- اگر موافقت میفرمائید جلسه آینده

یکشنبه ۱۹ آبان باشد ؟ (صحیح است) دستور هم

بقیه مذاکرات مربوط بهمین لایحه عدلیه است

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی -- دادگر